

کالبد شکافی حقوق کودکان



◆ گفت و گو از نیوشا باطنی

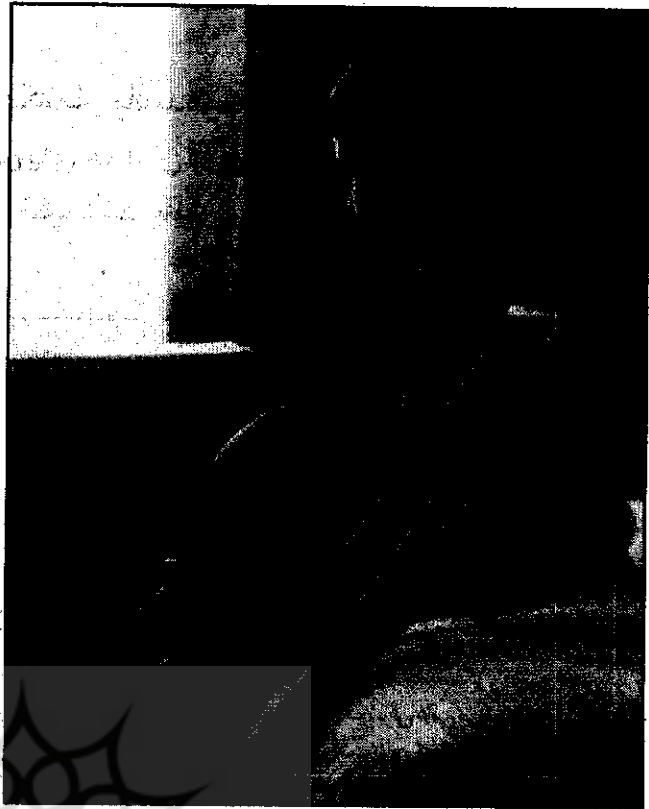
کودکان و حفظ و رعایت حقوق آنان است. اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان به این پیمان نامه پیوسته‌اند. در بسیاری از کشورها بر اثر پیگیری مواد و تعهدات مندرج در این پیمان، شرایط حاکم بر کودکان به طور قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته و به نوبه‌ی خود انگیزمای برای پیشرفت و شتاب بیشتر به سوی آینده‌ای شده است که در آن کودکان نه تنها از سلامت جسمی و روانی بیشتری برخوردارند بلکه خود نیز آزادانه و فعالانه در آن مشارکت خواهند داشت. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ به این پیمان بین‌المللی پیوست. یکی از شرایط اساسی در زمینه اجرای درست "پیمان نامه حقوق کودک" آشنایی همه‌ی افراد جامعه به ویژه مرتطبان با کودک نظیر والدین، سرپرستان، مربیان و حتی خود کودکان با این پیمان است. وقتی کودکان با حقوق خود آشنا باشند و ببینند که این حقوق، در ابتدا توسط والدین آنها رعایت می‌شود به نوبه خود به حقوق دیگران، چه کوچک‌ترها و چه بزرگ‌ترها احترام خواهند گذاشت و دنیایی که توسط آنها ساخته می‌شود، بی‌شک دنیایی قانونمندتر و انسانی‌تر خواهد بود. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگوی اختصاصی ماهنامه گزارش با دکتر نجم‌ایساری پژوهشگر و حقوق‌دان موسسه ماکس بلانک آلمان است وی معتقد است کودک‌آزاری یا ازواج‌های تحمیلی به دختران نوجوان ریشه در برخی از سنتها و آداب و رسوم غلط ما دارد. این پژوهشگر جوان ضمن انتقاد از ناکارآمدی نظام آموزشی کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه با شیوه‌های آموزشی رایج در غرب می‌گوید: به قوانین مدنی ایران می‌توان از چند جهت ایراد گرفت زیرا این قوانین با واقعیت‌های اجتماع منافات دارند در ادامه ماهنامه گزارش طی یک سری پرسش و پاسخ از دکتر ایساری این مهم را مورد توجه قرار می‌دهد

دامنه‌تازتر و بیشتر می‌شود و این در حالی است که کودکان نمره زندگی مشترک والدین خود هستند.

فرشتگان پاک و

معصومی که به دست ما سپرده شده‌اند تا در رشد و پرورششان کوشا باشیم. چون فردا از آن کودکان است. در زمینه حقوق کودکان پیمان نامه‌ای نیز به تصویب رسیده است. پیمان نامه حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ (۱۳۶۸) در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. مهم‌ترین و جامع‌ترین سند بین‌المللی برای حمایت از

کودک‌آزاری در
بخش
خصوصی‌تر
خانواده‌ها مطرح
می‌شود



اشاره:

دیروز علی کوچولو، شقایق و نازنین، امروز هانیبه، بابک و مهدی، اما فردا نوبت کدام کودک یا کودکان بی‌گناه است. حوادث تلخ و دردناک کودک‌آزاری این روزها به معضل جدی جوامع بشری به ویژه ایران در آمده است. باید بدینیم در هر دورهای از زمان حقوق کودک امری بسیار مهم و حایز اهمیت تلقی می‌شود و این مهم در برخی از جوامع توسط بعضی از افراد مثل والدین، سرپرستان و حتی مربیان کودکان در بسیاری از موارد نادیده گرفته می‌شود. نقض حقوق کودکان موضعی است که می‌تواند و چنان هر انسانی را متاثر کند. معلوم نیست از چه رو جامعه ایران که روزگاری به داشتن پدران و ملران با احساس و با عاطفه شهره بود. اینکه بی‌دری شاهد اخبار و گزارش‌های تکان‌دهنده‌ی در باره پیمان شدن حقوق کودکان توسط والدین و مربیان و سایر افراد نزدیک به آنها می‌باشد. در واقع نقض حقوق کودکان توسط والدین به موضوع روز جامعه ایران و شاید هم به زخمی التیام نیافته در این جامعه بدل شده است. کودکان خیابانی، کودکان و نوجوانانی که به خاطر فقر خانواده‌هایشان و مدار به کارهای طاقت‌فرسا می‌شوند آنها که از حقوق اولیه خود مثل تحصیل و داشتن محیط آرام برای تربیت و پرورش محرومند کودکان و نوجوانانی که از آنها به عنوان ابزار برای حمل قاذبی استفاده می‌شود. آنهایی که مورد انواع سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی واقع می‌شوند و در یک کلام کودکان و نوجوانانی که بی‌رحمانه حقوقشان پیمان می‌شود: اینها همان‌هایی هستند که پیوسته از لزوم دفاع از آنها سخن گفته می‌شود اما گویا هر چه جلوتر می‌رویم، موارد نقض حقوقشان

باید از کودکی به کودکانمان یاد بدهیم که خودش فکر کند روی پای خودش قرار بگیرد.

این قدر به پدر و مادر تکیه نکند عقلش را دست دیگران نسپارد.

دختر به نام یساری

با پیگیری اخبار و دقیق شدن در آمارها متوجه افزایش کودک آزاری در جامعه هستیم

ایا صنعتی شدن جامعه و پیشرفت دانش و فن آوری موجب افزایش خشونت علیه کودکان شده است؟ یا موضوع را باید از زاویه دیگر نگاه کنیم؟

من فکر می کنم کودک آزاری در تاریخ همیشه بوده است. چون در عصر اطلاعات قرار داریم و با دسترسی به اینترنت رادیو و تلویزیون، ماهواره روزنامه و وسایل ارتباط جمعی به این قبیل مسایل بسیار زود آگاه می شویم و اطلاعات این قبیل حوادث را به راحتی به دست می آوریم در اصل من معتقدم کودک آزاری در تاریخ همواره بوده اما به دلیل نبود وسایل اطلاع رسانی و ارتباط جمعی این حوادث در شکل گسترده امروزی منتشر نمی شد.

بگذار کمی دقیق تر به مساله باریک شویم بدی این نوع حوادث به نسبت حادثاتی دیگر این است که کودک آزاری در قسمت خصوصی تر خانواده مطرح می شود از پدر، مادر، عمه، دایی، برادر و یا یکی از اعضای درجه یک خانواده کودک آزاری ایجاد می شود از خارج کسی نمی آید کودک کسی را مورد شکنجه قرار دهد البته نباید از آزار و اذیت کودکان توسط افراد غیر خانواده صرف نظر کنیم و آن را نادیده بگیریم.

نکته دردناک این قبیل حوادث این است که بچه توان آن را ندارد که از پدر یا مادر یا هر عضو دیگری که او را مورد آزار و اذیت قرار می دهد شکایت کند و از همه بفر این که در برخی جوامع به ویژه جامعه های سنتی و در حال توسعه کمتر به حرف و شکایت کودکان اعتماد می کنند. می گویند کودک این حرف را از خودش در می آورد بسیاری از افراد باور نمی کنند که پدری بتواند این کار را انجام دهد. برای همین آمارهای این حوادث دردناک هرگز نمی تواند درست باشد شکنی نیست که این آمارها بسیار زیادتز از آن چیزی است که اطلاع می شود.

به پیشتر کودک آزاری ها به خانواده های که فقر اقتصادی و فرهنگی دارد رخ می دهد آیا شما با این موضوع موافق هستید؟

این ها اتفاقی نیست که تنها در یک طبقه به خصوص جامعه رخ بدهد حداقل آمارهای که از کودک آزاری منتشر می شود حکایت از این دارد که کودک آزاری در هر طبقه اجتماعی رخ داده است و این به پدر و مادرهای بی سواد یا تحصیل کرده مرتبطی ندارد.

آیا قوانینی که در ایران وضع شده است برای دفاع و حمایت از حقوق کودکان کافی

است؟

سخن گفتن در این زمینه کمی سخت است. قوانین مدنی ایران در عین سادگی پیچیدگی ها و نارسایی خاص خود را دارد من در ادامه حرف می گویم به برخی از تقاضات قانون مدنی ایران با واقعیت های اجتماعی اشاره خواهم کرد. با قوانین فعلی هم اثبات کودک آزاری در ایران بسیار سخت است در اروپا خانه های فرزند در دست گرفته می شوند آنجا پرورش بار روانشناس صحبت کنند اگر مورد کودک آزاری هم در کشورهای اروپایی رخ دهد آنها خیلی راحت می توانند به درستی و یا نادرستی موضوع پی ببرند گروه ها و روانشناس ها در برخی مراکز وجود دارد که با شگردهایی که دارند با کودکان شاکتی حرف می زنند و متوجه همه چیز می شوند. در ایران یکی از پدر یا مادرها باید از دیگری به علت کودک آزاری شکایت کند. اما مشکل در برخی خانواده های که هنوز به شیوه های سنتی وفا دارند بفرنج تر است. به طور مثال اگر پدر خانواده کودک را تیبیه بنی کند مادر اعتراض نمی کند و یا اگر کودکی از سوی مادر یا نامادری مورد کتک کاری قرار گیرد پدر معمولاً واکنش خاصی نشان نمی دهد.

یک شهروند غربی معتقد است کتک زدن و کتک خوردن درست نیست

اشاره به اروپا و خانه های کودک که در کشورهای اروپایی راه انداخته اند، کردید. نگاه اروپایی ها نسبت به کودک آزاری چگونه است؟ در این جا اصلاً قصد این را ندارم که بگویم غربی ها عاقل تر از شرقی ها هستند و یا بالعکس، بلکه مجبورم به طرز فکر کردن شرقی ها و غربی ها بپردازم و این البته به صورت کلی و عام مورد نقد قرار می گیرد. هستند گروه های خاصی که در هر دو جامعه تفکر و اندیشه خاص خود را دارند. مثلاً یک شرقی علمی می گوید پدرم مرا کتک بزند خیلی بهتر است تا این که من از یک فرد دیگر و خارج از افراد خانواده کتک بخورم اما یک شهروند غربی هرگز این چنین فکر نمی کند. او می گویند اصلاً کتک زدن و کتک خوردن بد است. حال این موضوع می خواهد از ناحیه پدر باشد یا یک شخص خارج از خانواده. در حالی که ما چسبیده ایم به این که اگر خشونت داخلی باشد زیاد عیبی ندارد با این وضعیت اگر این اتفاق در درون خانواده رخ بدهد نه قانون گزار و نه مجری قانون هیچ کس نمی تواند کاری بکند. ما باید نگاهمان را تغییر دهیم و بدی را در خشونت بدنامی نه این که خشونت از جانب چه کسی بوده است.

من یک روزی به دادگاه خانواده رفته بودم. پدر و مادری را دیدم که بر سر بچه با هم دعوا می کردند مادر برای بچه تقاضای نفقه کرده بود اما پدر نمی خواست زیر بار برود. نکته خیلی مهم و تلفات انگیز این بود که این زن و مرد بچه را هم به دادگاه آورده بودند. پسر شش سالگی بود که روی یکی از صندلی ها نشسته بود و به دعوی پدر و مادرش نگاه می کرد این بچه مصوم این جمله را از دهان پدر خود مرتب می شنید که می گفت من این بچه را اصلاً نمی خواستم. تصور کنید این حرف ها اثر بسیار بدی نه تنها روی آن بچه، بلکه در آینده روی جامعه خواهد گذاشت. به نظر من قانونی باید وضع کرد که به دادگاهها به ویژه دادگاههای خانواده بچه را راه ندهند.

خوشبختانه قانون حضانت در ایران تغییر کرده است حضانت دختر و پسر تا هفت سالگی باید با مادر باشد و بعد با پدر باشد و من معتقدم این یک تصمیم جالب و معقولی نیست اما آنچه خیلی مهم و جالب است این است که در صورت عدم توافق پدر یا مادر، دادگاه باید تصمیم بگیرد بر اساس قوانین جدید قاضی مصلحت بچه را هم

شماره ۲۸ - خرداد ۱۳۸۲ - ۴۷۱

جويا می شود. بچهها حق انتخاب پیدا می کنند. آنها می گویند ما با پدرم راحت زندگی می کنم یا مادرم را ترجیح می دهم و دوست ندارم با پدرم زندگی کنم و این ایده بسیار خوبی است.
اگر می خواهید با مشکلات بفرنج و تاسف آور

کودکان آشنا شوید سری به دادگاهها به ویژه دادگاه خانواده بزنید پدر در دادگاه فریاد می کشد بچه مال من است مادر آن طرفتر جیغ می کشد نه این بچه مال من است من این را به تو نمی دهم باید قبول کنیم که بچه مال نیست بچه انسان است.

♦ **صرف نظر از آزار و اذیت کودکان آیه شیوههای تربیتی به درستی از سوی خانوادههای ایرانی رعایت می شود؟**

در جامعه ایران به دلیل بسته بودن و عدم وجود برخی آزادیهای

رایج در غرب و وجود برخی محدودیت های پدر و مادرها به بچه سرویس زیادی می دهند به آنها زیاد می رسند. یعنی بعضی از پدر و مادر اشتباه می کنند واقعبیت این است که بچه یک سری حق و حقوقی دارد که باید رعایت شود اما آنها در مقابل وظایفی نیز دارند این سرویس اضافی موجب لوس شدن بچه ها می شود.

وقتی مادر مورد حقوق کودکان حرف می زنی من منظور این نیست که ما هر چیزی را که بچه ها دلشان خواست به آنها بدهیم این طوری نیست بگویند حق بچه این است که مثلا اسباب بازی داشته باشد و غیره...

حق بچه چیزهای بسیار مهمتری هم است.

مهمترین حق بچه این است که مصلحتش در نظر گرفته شود. رشد کردن در محیط سالم رفتن به مدرسه و جلوگیری از کار به ویژه در روستاها از مهمترین حقوق کودکان است ما نباید به تهران و دو و سه شهر بزرگ ایران نگاه کنیم و تمام برنامه ریزی هایمان را در این شهرها پیاده کنیم. شهرستانها و روستاها هم بخشی از ایران هستند. اقتصاد ایران بر اساس کشاورزی است. اقتصاد

روستاها بیشتر وابسته به سیستم کشاورزی است متأسفانه در روستاها خانوادهها از کودکان در زمینهای کشاورزی کاری می کنند و این به ویژه برای دختر بچهها ظالمانه تر است یعنی دختر علاوه بر این که باید در مزرعه کار کند پس از بازگشتن به خانه کارهای منزل را نیز باید انجام دهد. یعنی دخترها همیشه یک وزن اضافی را تحمل می کنند حقوق بچه رعایت کردن این قبیل مسائل است. بچهها باید تا یک سنی بچه باشند متأسفانه در بسیاری از نقاط ایران بچهها خیلی زود به بزرگسالی می رسند آنها فرصت نوجوانی را از دست می دهند. یعنی به خورده باید بچه بچه باشد و این تحولات جسمی و روانی را به آرامی

پشت سر بگذارد و خودش هضم کند و بعد یک آدم بزرگ شود و به بزرگسالی برسد. اما ما با فرهنگهای نادرست و رعایت نکردن حقوق کودکان این دوره را کوتاه کردیم یعنی این فرصتها را از آنها گرفته ایم. باید بپذیریم که بچهها آینده یک کشور هستند آنها باید کشور را بسازند



بنا بر این باید روی تربیت کودکان خیلی دقت کرد. تربیت کودک مهمترین چیز نیست اگر ما بچههای خود را درست تربیت کنیم آنها وقتی بزرگ شدند بهتر و مثبت فکر خواهند کرد و از دولت های خود مثبت انتقاد می کنند آنها از دولت پاسخگو حمایت می کنند از دولت در خصوص صرف بودجه های مملکت سوال می کنند. اگر حیف و میلی در بودجه صورت بگیرد در انتخابات بعدی به آن گروه رای نمی دهند.
این فرایند در غرب از کودکی تا بزرگسالی آموزش

کودکان حق و حقوقی دارند که باید رعایت شود

داده می شود تا آدم منطقی باشد و از منطق خود استفاده کند. اگر از اول روی کودکانمان در کودکیها و دبستانها و مدارس سرمایه گذاری کنیم جامعه به سمت روشن فکری و روشن گری حرکت می کند من معتقدم مردم خاورمیانه از آن جهت نسبت به کشورهای غربی عقب افتادند که نوع آموزش

و پرورش در آن جا اشتباه بوده است و آنها این را یاد نگرفتند که انتقاد کنند. در مقابل آنها از سه سالگی بچهها را سیاسی بار می آورند. ما باید این سوال را از خودمان بپرسیم که چه جامعه ای را می خواهیم داشته باشیم بچههایی داشته باشیم که روی پای خودشان بایستند یا فکرشان را از آنها بگیریم و آنها را تا بزرگسالی وابسته به پدر و مادرها کنیم. متأسفانه در کشورهای جهان سوم، توسعه نیافته و یا در حال توسعه

خیلی ها دوست ندارند فکر کنند. بگذار مثالی بزنم من یک روز سوار هواپیما بودم از کشور آلمان به ایران می آمدم یک زن مرتب از مسافران می پرسید صندلی من کجاست؟ هیچ کس جوابش را نمی داد او سرگردان به دیگران نگاه می کرد جلوی من را گرفت و سوال خود را تکرار کرد. من به او گفتم خانم بلیط دست شماست نگاه کن بین شماره ی صندلی ات چند است. بلیط دستش است همه چیز هم مشخص است اما او دوست ندارد فکر کند.

باید از کودکی به کودکانمان یاد بدهیم که خودش فکر کند روی پای خودش قرار بگیرد. این قدر به پدر و مادر تکیه نکند عقلش را دست دیگران نسپارد.

♦ **شیوه های آموزشی در کشورهای اروپایی چه برتری نسبت به کشورهای توسعه نیافته دارد، کجای کار ما ایراد دارد؟**

من از دوره ابتدایی تا دوره دکتری در کشورهای اروپایی تحصیل کردم.

در دوره ابتدایی آموزگار مطالب را به ما درس می داد و سپس از ما می خواست با خواندن متن کتاب نظر خودمان را در مورد آن درس برایش توضیح دهیم. ما حتی اگر با محتوای کتاب نظر موافق داشتیم باید دلایل آن را به معلم توضیح می دادیم. معلم ما ما خواست تا اگر با محتوای کتاب مخالف بودیم از آن انتقاد کنیم. یعنی از همان ابتدای آموزش ذهن ما را فعال می کردند از ما می خواستند بی هدف و کورکورانه مطالب را قبول نکنیم در مورد متن کتاب باید فکر می کردیم و نظر می دادیم بعد نتیجه می گرفتیم.

من رفتم سوریه منزل یکی از دوستان مهمان بودم پسر بزرگ او ۱۱ ساله بود. کتابهای او را که ورق می زدم متوجه شدم معلم روی کتاب و دفتر مشق دانش آموز خود نوشته متن زیر را حفظ کنید یک بار کلمه فکر کنید راجع

موضوع و متن را ناباورده بود. بنابر آن هممه این دانش آموز ۱۱ ساله یک کتاب تاریخ داشت که یک سوال ریزی در آن مطرح شده بود از دانش آموز پرسیده شده بود شما وقتی از مدرسه به خانه برگشتید و ناگهان متوجه شدید خانه شما را کسی گرفته و در آن جا نشست است آن وقت چه کار می کنید؟ دانش آموز تنها مجاب بود به یکی از دو سوال جواب بدهد.

۱. من می ترسم و فرار می کنم.
 ۲. من بر می گردم خانه را آتش می زنم.
 این دانش آموز گزینه سوم را نمی توانست انتخاب کند. بنابراین مجبور شده بود گزینه یک را انتخاب کند اما جای تعجب داشت که معلم انتخاب شاگرد خود را خاص زده بود و برایش نوشته بود که باید گزینه دو را انتخاب می کردی برای این که وضعیت را با وضع فلسطین و اسرائیل مقایسه می کرد متأسفانه در آموزش و پرورش های جهان سوم یا توسعه نیافته این قبیل مسایل سیاسی را مطرح می کنند و ذهن کودک را مشغول این برنامه ها می کنند و از بچه ها می خواهند که خانه خودش هم که شده مهم نیست باید بسوزاند از همان کودکی این مسایل را به او یاد می دهند یعنی هیچ وقت به او اجازه ندهند که خودش فکر کند و گزینه سوم را مطرح کند مثلاً بگوید نه من این کار را نمی کنم دست به کار دیگر می زنم اصلاً خانه را آتش می کشم اما حداقل برای این فکر خود دلایلی می آورد متأسفانه بحث حفظا کنید نه فکر کنید یکی از معضله های کشورهای در حال توسعه است.

صحبت از تناقضات قوانین مدنی ایران با واقعیت های اجتماع کردید می توانید به برخی از این تناقضات اشاره کنید؟

هم چنان که پیشتر گفتیم قانون مدنی ایران برخی اشکالات وارد می شود اصلاً تعریف بچه چیست؟ در قانون ایران تعریف صریح و شفاف در این زمینه نداریم. باید مشخص شود که آن کسی که بین این سال و آن سال سن داشته باشد کودک است.

ما در قانون مدنی این تعریفها را نداریم. اولین سن که در قانون مدنی آمده است سن بلوغ است که برای دخترها ۹ سال و برای پسرها ۱۵ سال است. این سن بلوغ لا جوب تا سه سال پیش سن ازدواج هم بود که عوض شد الان سن ازدواج برای دخترها ۱۳ سال و برای پسرها ۱۵ سال شده

است که آن موقع بر مبنای سال قمری بود اما الان بر اساس سال خورشیدی شده است.
 در اصل تا سه سال پیش سن ازدواج دخترهای ایرانی ۸ سال و ۸ ماه بود. اما آیا این دختر با این سن و سال از لحاظ جسمی زن شده است؟

اشکال از آن جهت به قانون ایران وارد می شود که مسوولیت جزایی دختر ۹ ساله از نظر قانون جزا مثل مرد ۲۰ ساله حساب می شود یعنی دختر ۹ ساله اگر زدی کند جزای را متحمل می شود که یک مرد ۲۰ ساله متحمل می شود از طرف دیگر اگر یک دختر ۱۳ ساله با پسر ۱۵ ساله ازدواج کند طبق قانون حق انتخاب خیلی چیزها را نخواهند داشت. حق رفتن و آمدن که طبق قانون باید بالای ۱۸ سال داشته باشند. حق باز کردن حساب پس انداز در بانک و گرفتن دسته چک. حق بستن قرارداد و خیلی از حقوق دیگر را نخواهند داشت. قانون این جا مشخص نمی کند که این زن و شوهر در سن کودکی قرار دارند نوجوان شده اند و یا بزرگسال هستند. در قانون چیزی داریم به نام رشد که می گوید بچه بالغ اگر رشید شود معجز است حتی برخی حقوق زن ها هم نمی فهمند که طبق این قانون طرف بچه است یا نه؟

همچنان که اشاره شد طبق قانون ایران یکی از شرایط بستن قرارداد داشتن ۱۸ سال سن است. شما در نظر بگیرید قانون از یک طرف می گوید دختر در سن ۱۳ سالگی و پسر در سن ۱۵ سالگی می تواند ازدواج کند از طرف دیگر حق

قانون گذار از ۱۵ سالگی مسوولیتی به شخص می دهد که طبق قوانین دیگر دست و پای او را می بندد

بستن قرارداد ۱۸ سال به بالا را همین می کند حال این سوال پیش می آید که این شخص که در سن ۱۵ سالگی ازدواج می کند و بر اساس قانون ملزم به پرداخت نفقه و خرج زندگی همسرش است با این قانون دست و پا گیر چگونه باید کنار بیاید؟ منبع درآمدش باید از کجا تأمین شود. یعنی قانون گذار از سن ۱۵ سالگی مسوولیتی به این شخص می دهد که طبق قوانین دیگر دست و پای او را می بندد این پسر فاصله ۱۵ سال تا ۱۸ سال را با کدام فعالیت قانونی اقتصادی باید پشت سر گذارد.

این قانون ها را باید تغییر داد. قانون باید شفاف عمل کند باید سن کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی را از هم جدا کند و برای هر کدام از این سن معینی را مشخص کند مثلاً مشخص کند فرد از بدو تولد تا فلان سن مثلاً کودکی است یا صغیر، صحت حضانت ملاری یا پدری است. همچنین برای سنین نوجوانی، جوانی و ... هم تعریف های را الزامه دهد. این سیستم ها باید یکساز می شوند.

قانون گذار سن ازدواج پسر را ۱۵ سال و دختر را ۱۳ سال اعلام می کند باید مشخص شود که آیا این دختر در این سن و سال مانند پسر ۱۵ ساله می اندیشد و واقعبینانه جامعه حکایت از چیز دیگری دارد. قانون گذار اگر می خواهد بین دختر و پسر فرق بگذارد مهم نیست حداقل دلایل این تفاوت ها را هم تعریف کند.

برخی قانون هایی که در مجلس تصویب می شود و از فیلتر شورای نگهبان رد می شود با واقعیت های اجتماع سازگار نیستند. چند روز پیش در روزنامه خواندم دختر ۱۰ ساله از پسر ۱۵ ساله طلاق گرفت.

بر اساس قانون ایران دختر ۱۰ ساله حق رفتن به مدرسه و انداردلو طبق قانون تحت حضانت پدر است اما شوهر می کند این یک تناقض است و باید این تناقض ها حل شود.

♦ حرف آخر شما در این زمینه چیست؟
 ببینید کودکان هر جامعه سرمایه های آن جامعه هستند ما باید کودکان خود را درست تربیت کنیم من همیشه این موضوع را مطرح کرده ام که بزرگسال ها و پیرها دیگر بزرگ شناختند و ما هرگز قادر به تغییر تفکرات آنها نیستیم. ما چاره ای جز این نداریم که روی کودکان خود سرمایه گذاری کنیم در آن صورت می شود به آینده امیدوار شد.

آرامکس
ARAMEX

E-mail: aramex_tehran@hotmail.com
 www.Aramex.com

International Courier & Cargo

حمل و نقل هوایی بین المللی

تلفن: ۸۸۷۲۲۸۰ و ۸۸۷۲۶۶۷ فاکس: ۸۷۷۱۹۹۲

شماره ۱۶۶ - خرداد ۱۳۸۴